

## رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس ۷ چرخ تحول‌آفرین مورد نیاز کشور در هفتمین برنامه توسعه را تشریح کرد

# میزان تحقق برنامه‌های توسعه ۲۰ درصد بوده است

## ترمیم شکاف اجتماعی باید از اولویت‌های برنامه توسعه باشد

**متن پیش‌رو سخنرانی بایک نگاهداری، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی است که در آخرین نشست خانه گفت‌وگوی دانشگاه آزاد ایراد شده است. مشروح این سخنان را در ادامه می‌خوانید.**

||||

هنوز مجلس متن لایحه برنامه هفتم توسعه را از جانب دولت دریافت نکرده است درنتیجه نمی‌توان درمورد متن اصلی و نقاط قوت و ضعف آن پیشنهادی با انتقاد بهتری شدن، مطرح کرد. در فضای عمومی جامعه‌یک برنامه با ۳۰۰ لایحه از طرف دولت مطرح شد که بعد از مدتی خود دولت به علت برخی نقطه نظرات مانند همین ۳۰۰ ماده بودن برنامه، تصمیم به اصلاح آن گرفت. به بیان دیگر، برنامه لایحه توسعه نباید همه مسائل و مشکلات جاری را پوشش دهد و این اشکالی بوده که به این لایحه مطرح شده و از طرف دولت وارد شد. بنابراین با توجه به اولویت‌بندی موارد، دولت نیز مصمم شد تا با تمرکز بیشتری اولویت‌ها را در نظر گرفته و مواد لوایح را کاهش دهد.

**تیزراه سال گذشته مرکز پژوهش‌های مجلس برنامه هفتم پیشنهادی خود را با همین عنوان تهیه‌ودر اختیار دولت،مجمع تشخیص مصلحت نظام و رهبری قرار داد. در این برنامه تحلیل‌های راهبردی وضعیت کشور و رویکردهایی که برای وضعیت کشور پیشنهاد می‌شود، در نظر گرفته شده است. درنتیجه ۵۹ ماده متناسب با همان راهبردها تهیه و در اختیار آقای رئیسی و مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار داده شد.** اینجا باید ذکر شود که وظیفه تدوین برنامه توسعه برعهده سازمان برنامه بودجه است و مرکز پژوهش‌های مجلس تنها به‌عنوان یک کار مطالعاتی پیش‌نویس را آماده و اعلام کرده است. استفاده از برنامه پیشنهادی مرکز پژوهش‌های مجلس وظیفه و شأنیت دولت و سازمان برنامه بودجه بوده تا از آن به‌عنوان یک بسته مصلحت‌های موجود اجرایی کشور یا بخش‌های مختلف استفاده کنند. بنابراین با توجه به این امر که هنوز محتوایی از طرف دولت روی میز وجود ندارد، بیشتر روی چند محتوایی که می‌تواند به‌عنوان چرخش‌های تحول آفرین در برنامه هفتم توسعه موثر واقع شود، بحث و تبادل نظر خواهیم کرد.

اول باید اهمیت برنامه هفتم توسعه را در منظرهای مختلف بررسی کرد. با توجه به یک دهه گذشتگان این برنامه اولین برنامه پینس‌ساله‌ای است که در گام دوم انقلاب اسلامی تهیه می‌شود. از سوی دیگر، مقام‌مظهرهبری نیز تأکید داشتند که برای گام دوم انقلاب لازم است تا چرخش‌های تحول آفرین در کشور ایجاد کرد تا برای ۴۰ سال آینده انقلاب برنامه کلی نظر گرفته شود. همچنین اسام مقام‌مظهرهبری روی برنامه تحول تأکید کردند و بیان کردند که باید برنامه‌ها به نسبت تحول، برنامه‌ریزی و اقدامات لازم بر همین مبنا برای آن انجام شود. درنتیجه با توجه به تأکیدات مقام‌مظهرهبری در بیانات‌شان باید در برنامه هفتم یک‌سری اقدامات چرخشی تحولی وجود داشته باشد.

#### میزان تحقق برنامه‌های توسعه تنها ۲۰ درصد بوده است

**باید این را نیز در نظر گرفت که قرار نیست برنامه هفتم توسعه در ادامه ۶ برنامه قبلی تدوین شود. ارزیابی‌ها همین‌نیز نشان آن دارد که میزان تحقق برنامه‌های توسعه تنها ۳۰ درصد بوده است.** با توجه به این امر هیچ‌عقل سلیمی نمی‌داند امدادن همان مسیر گذشته برنامه‌های پیشین را تأیید نمی‌کند. نمی‌توان یک مسیر تکراری را رهبر بارفت و انتظار تغییر نتیجه را نیز داشت. پس با توجه به منط، نمی‌شود مسیر تکراری را رفت و انتظار نتیجه متفاوت را نیز داشت. با توجه به این امر لازم است که ابتدا یک آسیب‌شناسی به‌منظور چربی عدم دسترسی به نتایج لازم در برنامه‌های پیشین انجام شود. درنتیجه مجلس آسیب‌شناسی لازم را انجام و علل عدم تحقق برنامه‌های توسعه و پیشرفت را در بررسی کرد که به شرط زمان در این جلسه بیان خواهد شد. درحال حاضر، چند رویکرد با عنوان چرخش تحول آفرین بررسی خواهد شد. دومین اهمیت برنامه هفتم توسعه به علت اتفاقاتی است که در کشور رخ داده است. از قبیل مشکلات اقتصادی که گریبان‌گیر مردم است یا مسائل ومشکلات اجتماعی که کشور سال گذشته از سر گذراند. باید در نظر داشت که دشمنان با دشواری کشور تمرکز ویژه‌ای روی کار جوان و الفتای بی‌آیندی ایران به آنها را کرده‌اند و می‌خواهند جوانان این را تصورکنند که برای ایران آیندگی وجود ندارد. درنتیجه این نسل باید تشویق به مهاجرت به کشورهای دیگر شود.

به بیان دیگر ایران یک الفتای بی‌آیندی به نسل جوان و نسل امروز ما را با ۲ هدف دنبال می‌کنند. اول آنکه در هر دوره‌ها و نسل‌ها طوری نشان دهند که جمهوری اسلامی در ۴۰ سال گذشته همیشه در اشتباه بوده و عملکردهای غلطی داشته است و درنتیجه غرور ملی را از بین ببرند. داشتن غرور ملی باعث افتخار یک نسل به پیشینیان خود شده و افراد مصمم می‌شوند مسیر آنها را ادامه دهند. دشمنان کشور درصدد هستند گذشته ایران را به گونه‌ای روایت کنند که هیچ‌گونه عملکرد افتخارآمیزی در آن وجود نداشته است. اگر این افتخار از افراد گرفته شود، بالطبع غرور ملی نیز از بین خواهد رفت.

از سوی دیگر در نظر دارنم تا آزمان ملی را نیز از مردم بگیرند. آزمان ملی چیست؟ آزمان آنکه در هر دوره‌ها و انگیزه لازم برای رفتن به سوی آینده را در اختیار افراد قرار می‌دهد. به بیان دیگر جوانان، با غرور ملی اراده برای رفتن در مسیر پیشینیان خود پیدا می‌کنند و با آزمان ملی انگیزه برای تحرک آینده را به دست خواهند آورد. اگر از یک ملت غرور و آزمان ملی گرفته شود، انگیزه و اراده هرگونه تحول، تغییر و پیشرفت نیز از آن سلب خواهد شد. این همان انگیزه و تحول لازم برای برنامه‌نویسی پیشرفت و توسعه برنامه هفتم است.

**شکل‌گیری گفت‌وگوی ملی برای ارائه تصویری از آینده ضروری است**
با این تفسیر می‌توان گفت که شاید امروز ایران بیشتر از آنکه در یک نقطه‌عطف تاریخی قرار داشته باشد، در یک نقطه‌عطف آیندگی قرار گرفته است. در حال حاضر یکی از ضرورت‌های جامعه امروز شکل دادن به گفت‌منان و گفت‌وگوی ملی برای ارائه تصویری از ایران در آینده است. بنیاد اجازت‌دهیم دشمنی بی‌آیندگی را به ما الفتا کند. یعنی مجموعه دانشگاهی، فکری و صاحب‌نظران کشور، باید نسبت به تهیه تصویر آینده امیدوارانه و واقعی کشور، تلاش کنند. این تصویر باید بر مبنای واقعیت باشد؛ زیرا به‌طور واقع مجموعه مشکلات کشور از یک سو و عدم تحقق برخی از اهداف برنامه ۲۰ ساله از سوی دیگر، صحبت‌اندول برای افکار عمومی امروز کشور مشکل کرده است. امروز صحبت از مسائل امیدآفرین در مجامع مشکل شده و حتی در رسانه ملی نیز همیشه صحبت از قیمت مرغ و تخم‌مرغ است. اگر یک انسانی در باتلاق گرفتار شود برای خروج از آن باید دست خود را دراز کرده و شاخه بیرون باتلاقی را بگیرد. به بیان دیگر دست و پا زدن

در مسائل و مشکلات روزمره، انسان را به تحول مورد نظر نمی‌رساند. ما معتقدیم آینده و تصویر ایران آینده، حکم همان شاخه را دارد و اگر برای برون‌رفت از این مشکلات راه‌حلی می‌خواهیم، راه‌حل همان ایجاد یک تصویر امیدآفرین از آینده و ایجاد انگیزه تحول آفرین در نسل جوان برای رفتن به سمت پیشرفت است. البته باید در نظر گرفت که بنابر وضعیت امروز کشور این یک انتخاب نیست و بلکه یک الزام راهبردی به حساب می‌آید.

#### نوشتن برنامه تنها نوشتن احکام و انشای مواد نیست

**برای این آینده‌آفرینی و تدوین برنامه‌های پیشرفت و توسعه آینده با ۲ لنگر رویه‌رو هستیم.** یک لنگر همان لنگر عینی با واقعیت‌های موجود در کشور است و لنگرگاه ذهنی، لنگر دیگر آن است. جدا از لنگرگاه عینی باید قبول کرد که تصورات ذهنی نیز برای رسیدن به پیشرفت می‌توانند نقش آفرین باشند. باید یک گفت‌وگوی ملی در جامعه عمومی، جامعه‌نخبگانی و دانشگاهی برای رسیدن به یک فهم ذهنی و مشترک از برنامه‌ها و اهداف ۵ سال آینده ایجاد شود. به بیان دیگر باید دانستد که نوشتن برنامه تنها نوشتن احکام و انشای مواد نیست. بلکه مجموعه حکمرانی کشور و قاطبه مردم باهم باید به یک امر مشترک و یک هم‌آوایی ذهنی برسند و بدانند که کشور در ۵ سال آینده کجا قرار خواهد گرفت.

با توجه به این توضیح باید دانست که ۵ یا ۶ اولویت اصلی و استراتژیک کشور که مجموعه ۳ قوه و مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌خواهند روی آن تمرکز کنند و روی رسیدن در نظر دارند، چیست. به بیان دیگر چه تحلیل راهبردی پشت این کار است یا بر چه اساس و تحلیلی، اصلی‌ترین راهبرد کشور یک موضوع خاص تشخیص داده می‌شود تا برای برنامه‌ریزی روی همان موضوع نیز متمرکز شود. بنابراین تعریف از منظر ذهنی نیز اهمیت بسیار دارد تا بداییم تصویر ۵ ساله آینده ایران چیستی و در نتیجه روی چه موضوعاتی مردم و مسئولان باید تمرکز کنند.

#### ایده حکمرانی اولین نیاز برنامه هفتم توسعه است

مرکز پژوهش‌های مجلس به چند نکته اساسی دست پیدا کرده است. اول از همه جمهوری اسلامی ایران در گام دوم انقلاب به یک سطح پیشرفته‌ای از ایده حکمرانی احتیاج دارد. سطح پیشرفته ایده حکمرانی نیز مبتنی بر سنت‌های الهی و تحولات جهانی باید باشد. در بررسی‌ها جمع تشخیص است که جمهوری اسلامی برای بسیاری از امور دارای الهی هنوز نتوانسته ابزارهای لازم برای توسعه را تهیه و در اداره کشور و پیشرفت اهداف توسعه از آن بهره‌مند شود. از نسوی دیگر به بسیاری از تحولات جهانی نیز در کشور توجه نشده است. امروز همه به این جمع بندی رسیده‌اند که پیشران تحولات جهان در همه عرصه‌ها دانش و فناوری است. فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی، اینترنت اشیا، زنجیره بلوکی و اتوماسیون همگی در حال بازآرایی رابطه بین مردم با حاکمیت هستند. کشور نیازمند یک بازآرایی در حاکمیت امروز با توجه به این تحولات فناوری‌روز جهانی است که چه خواهیم و چه نخواهیم در آینده نزدیک کشور با سرعت و حجم فراگیری با آن روبه‌رو خواهد شد. تا امروز به یک توجه نشده و هنوز با بی‌توجهی به فناوری‌های نوین و تحولات فناوریانه جهان و با رویکرد سنتتی درصدد اداره کشور هستیم. درحالی که امروز با بهره‌گیری از این تحولات در مدل نوشتن و مدل برنامه‌ریزی می‌توان تحول آفرینی کرد. امروز باید تجربه تاریخی ما مباحث مبتنی بر داده کاوی و فضای فیزیکی سایبری می‌توان برنامه‌ای با محتوای تحول آفرین نوشت. چرا به‌طور مدام به روش‌های سنتتی برنامه‌نوشته می‌شود و حتی نوآوری در برنامه‌ریزی و برنامه‌نویسی را نیز نمی‌خواهیم. بنابراین مهم است که به مسائل فناوریانه و علمی روز دنیا نیز توجه ویژه شود.

**باید رویکرد مدیریت پروژه‌ای به یک زیست‌بوم حکمرانی تغییر کند**
به نظر می‌رسد که باید رویکرد مسا از یک مدیریت پروژه‌ای مبتنی بر مزیت‌های سخت‌آزاری یعنی منبع محور و خروجی محور به یک زیست‌بوم حکمرانی تغییر کند. یعنی مدیریتی بر یک زیست‌بوم حکمرانی، جایگزین مدیریت پروژه یک زیست‌بوم برای حکمرانی شود و به جای تمرکز روی سخت‌آزار بر مزیت‌های نرم‌آزاری که جزء مزیت‌های جمهوری اسلامی نیز هست، توجه شود. همچنین باید فرایند‌ها و چگونگی پیشرفت جایگزین خروجی محوری فرایند‌ها شوند. به بیان دیگر، به جای آنکه بر درصدها و خروجی تمرکز شود، باید بر فرآیند و چگونگی پیشرفت سخن گفت. مانند زمانی که می‌گوییم ۸ درصد توسعه اقتصادی در کشور ایجاد شده اما در عمل تنها نیم درصد نتیجه حاصل می‌شود. بنابراین تعریف، نیاز به یک زیست‌بوم جدید برای ۵ سال آینده کشور است. مرکز پژوهش‌های مجلس نیز بر این امر توصیه کرده و امید است آنها مورد استفاده دولت قرار گرفته شود. یعنی تمرکز روی مسیر پویا باید جایگزین برنامه‌های توسعه و تأکید بر مقاصد ایستا شود. به بیان دیگر، به جای حرف زدن از درصدها، باید روی چگونگی مسیر و پویایی تحرکات در این ۵ سال متمرکز و احکام برنامه براساس آن ریخته شود. این امر را می‌توان به‌عنوان یک چرخش تحول آفرین و متفاوت در برنامه هفتم نسبت به برنامه‌های گذشته دانست.

#### مردمی‌سازی ابزارهای حکمرانی مردمی را نیز نیاز دارد

**نکته دوم تأکید ما بر تکثیر نوآوری اجتماعی و ارائه یک مدل جدید و برجسته از مردم‌پایگی است.** مقام‌مظهرهبری در سخنرانی ابتدای سال نیز بر مردمی‌سازی اقتصاد و حکمرانی مردمی تأکید کردند و گفتند هر جا کار به مردم سپرده شد، بهتر از عهده آن برآمدنم تا زمانی که دولتی خواست آن را انجام دهد. زمانی که اقتصاد، دولتی بود موفقیت چندانی حاصل نشد. اما زمانی که جنگ را به دست مردم سپردیم، موفق عمل کردیم. زمانی که کمیته‌های اول انقلاب برای تأمین امنیت به مردم سپرده شد، موفقیت حاصل شد. این زمانی که جهاد فرهنگی به مردم صورت مردمی اداره شد، عملکرد آن مثبت بود. بنابراین به شد مردم‌پایگی و تأکید برآنکه عاملیت پیشرفت مردم هستند، مهم است.

**دولت درحقیقت تنها نقش تسه‌یلگری در این هم‌آوایی مردمی را باید ایفا کند.** به بیان دیگر، دولت قرار نیست همه مسائل کشور را حل کند. در این زمینه استعاره‌ای وجود دارد که می‌گوید «دولت پاروزن، در مقابل دولت سسکان دار»، وضعیت دولت‌های گذشته این گونه بوده

# دانشگاه

## رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس ۷ چرخ تحول‌آفرین مورد نیاز کشور در هفتمین برنامه توسعه را تشریح کرد

# میزان تحقق برنامه‌های توسعه ۲۰ درصد بوده است

## ترمیم شکاف اجتماعی باید از اولویت‌های برنامه توسعه باشد

## حکمرانی باید دانش‌بنیان شود

**شده و بیشتر راه‌حل‌های اداره کشور و ابزارهای آن تقلیدی بود و تنها هر روز بسته به رویکرد سیاسی ارائه شده است، برای مثال یک روز فردی با رویکرد نئولیبرالیستی راه‌حلی ارائه داده و روزی دیگر با رویکرد سوسیالیستی؛ کسی هم به‌دنبال چربایی مساله نرفته است.** به بیان دیگر تا امروز شیوه‌های حل مساله را نمی‌دانیم و نیاموخته‌ایم. امروز نیز به برنامه‌های توسعه ار نگاه می‌کنیم با فہرستی از راهکارها و راه‌حل‌ها که رویه‌رو می‌شویم. سوال اینجاست که آیا این راهکارها ارتباطی با نیاز کشور دارند یا آیا تناسبی با شرایط اقتصادی، توان اجرایی حکومت ما و شرایط اجتماعی مورد نیاز وجود ندارد. بنابراین نباید ترسید، از موارد این هماهنگی مورد نیاز وجود ندارد. بنابراین نباید ترسید، برای مثال اگر کسی می‌خواهد دوجرخسوار ی‌باموزد باید خودش دوجرخه سوار شود. ساعت‌ها در سمینار موسیقی شرکت کردن افراد را نوازنده نمی‌کند و برای نوازنده شدن باید ساز زدن را آموخت، برای حل مسائل کشور نیز باید مساله‌ها وسط گذاشته شوند به جای آنکه راه‌حل محوری حرکت شود. در برنامه هفتم توسعه پیشنهادی نیز این امر محور قرار گرفته است.

#### حکمرانی باید دانش‌بنیان شود

**چرخش تحول آفرین چهارمی که معتقدیم واقعا جمهوری اسلامی را تسکان می‌دهد و اعتقاد داریم مزیت راهبردی ما در حکمرانی دانش‌بنیان است.** اهمیت حکمرانی دانش‌بنیان کمتر از اقتصاد دانش‌بنیان و فناوری دانش‌بنیان نیست. چرا امروز همه نخبگان کشور تصور می‌کنند که صبح تا شب باید خود را روی فناوری و شرکت‌ها متمرکز کنند؟ ریل گذاری اصلی کشور و جهت‌دهی اصلی آن در حکمرانی و زیست‌بوم حکمرانی در حال شکل‌گیری است و باید از قسمت عمده نخبه‌های کشور در حکمرانی، قانونگذاری، مدیریت‌های کلان کشور، در تصمیم‌گیری‌ها و سیاستگذاری‌ها استفاده کرد. من این رویکرد را حکمرانی دانش‌بنیان نامگذاری کرده‌ام، یعنی باید بتوان یک قدرت هوشمند را از بین خود نخبگان کشور برای حکمرانی و نیز یک حکمرانی دانش‌بنیان مبتنی بر داده بنیاد، اطلاعات، روش‌های علمی ایجاد کرد.

**باید قبول کرد در بسیاری از موارد مدیریت کشور غیرعلمی عمل شده است، حتی نخبگانی که در بدنه‌های ادارات و دولت جذب شده‌اند بعد از مدتی، به‌علت بروکراسی‌های زمین‌گیر و مدیریت‌های غیرعلمی از اصلاح امور ناامید شده‌اند، بنابراین حکمرانی باید علمی و دانش‌بنیان شود.** اتفاقا کشور در این زمینه قدرت نرم بالایی نیز دارد. میلیون‌ها متخصص تربیت شده و دانشجویان بی‌شماری فارغ‌التحصیل از دانشگاه‌ها هستند. در این سال‌ها چندهزار شرکت دانش‌بنیان تاسیس شده و پلتفرمی از شرکت‌های دانش‌بنیان و توان دانشی در کشور شکل گرفته است.

**باید برای پنج سال آینده با هدفمندسازی و خوشه‌سازی این شرکت‌های دانش‌بنیان را به‌سمت اولویت‌ها و نیازها کشور پیش برد.** تا امروز اینان آتش به اختیار کار کرده‌اند که هیچ اسکالنی ندارد، چون زیست‌بوم فناوری نداشتیم. در این ۱۰ سال با تاکیادت رهبری این زیست‌بوم شکل گرفته‌ود در این پنج‌سال آینده باید از آتش به اختیاری خارج و این شرکت‌ها را با سمت حل مسائل کشور و اولویت‌ها و خوشه‌سازی و همچنین صنایع بزرگ جهت داد. باید به جوانان، مردم و دنیا این را نشان داد که ایران با همه ننگناهای درگیری که دارد، همچنان یکی از نقاطی است که عقلانی‌تر از دیگر جاه‌ها در آن تصمیم‌گیری می‌شود. برای رسیدن به این امر باید این تصویر را ایجاد کرد. باید در تصویر ایران گفته شود که این کشور یکی از نقاطی است که عقلانیت با توجه به همه مشکلات در تصمیم‌گیری‌هایش پیشتر از سایر نقاط دنیا وجود دارد. باید این تصویر به مردم رسانده شود.

**هر کشوری که مغناطیس بزرگ‌تری داشته باشد به همان تناسب نیز دشمنان بزرگ‌تری دارد.** هر کشوری که آرمان‌های بزرگی را داشته باشد با آرمان‌های کشورهای اطراف خود درگیری می‌شود. دشمنان به‌صورت طبیعی با آن دشمنی می‌کنند و این طبیعت قدرت‌آفرینی است. درحال حاضر قدرت‌های بزرگ از منظر فرصت‌های داخلی با تحلیل‌های مختلف به بن‌بست رسیده‌اند، یعنی این کشورها به این جمع‌بندی رسیده‌اند که ظرفیت‌های درونی آنها امکان توسعه پیشرفت بیشتری را فراهم نمی‌کند. شکل‌گیری جنگ‌های بزرگ مانند جنگ اوکراین نمونه از این امر است. کشورها امروز به‌دنبال فضای‌های بزرگ‌تر برای توسعه و پیشرفت خود هستند. ایران در منطقه‌ای قرار دارد که هم نعمت بزرگی است وهم مخاطرات بزرگی را برایش به‌همراه دارد، از سوی دیگر ایران از منظر جغرافیایی سیاسی و ژئوپلیتیکی در یکی از مهم‌ترین و شتمال‌های جغرافیایی دنیا یعنی شاهرگ کردی‌روهای ارتباطی بین شرق و جنوب، برای ارتباط با روسیه و اوراسیا و در شاهرگ ارتباطی شرق با غرب در مسیر کرمنند راه چین قرار گرفته است.

#### برنامه‌های توسعه از فرصت ژئوپلیتیک کشور استفاده نکردند

همین امر برای ایران یک فرصت بسیار بزرگ ژئوپلیتیکی و ژئوگنومیکی برای جایایی ایران در نظام بین‌المللی ایجاد کرده است. رهبری نیز بارها به امر جایایی در نظام بین‌المللی جدید توصیه کرده‌اند. برای جایایی بین‌المللی همین مساله ژئوپلیتیک کشور است که از یک سو فرصت آفرین است. متأسفانه تاکنون در برنامه‌های توسعه کشور این فرصت استفاده نشده است.

این فرصت تحول آفرین است. بارها بیان کرده‌ام که اگر جلد برنامه توسعه کشور کنده و دست یک فرد داده و از او پرسیده‌شود که این برنامه برای کدام کشور است، بعدد است بفهمد این برنامه که برای ایران نوشته شده؛ برای کشوری در اروپاست یا آفریقا یا در غرب آسیا. یعنی آنقدر به ژئوپلیتیک‌های سیاسی و کردی‌روهای منطقه‌ای و اقتصاد سیاسی فعال در ارتباط با کشورهای همسایه و دیگر کشورهای منطقه مانند هندوستان، روسیه و چین بی‌تفاوت بوده که انعکاس دیپلماسی سیاسی در برنامه‌های پیشین وجود نداشته است. دیپلماسی اقتصادی می‌تواند در برنامه هفتم تحول آفرین باشد. استفاده از ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئوگنومیکی کشور در برنامه هفتم توسعه تحول آفرین است.

**حصول حکمرانی هوشمندتر درنتیجه تلفیق خردجمعی فناوری‌های نوین**
در حکمرانی دانش‌بنیان یک حکمرانی هوشمندتر نیز وجود دارد. این حکمرانی می‌گوید اگر مجموعه خردجمعی گروه‌های بزرگ را در کشور شکل داد یا یاد گرفت که باید با مردم مشارکت کرد و

## در تصمیم‌گیری‌ها گروه‌های مهم اقتصادی را به‌عنوان گروه‌های بزرگ خردجمعی شکل داد، این خود یک ظرفیت است. اگر در کنار آن هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین با این خردجمعی تلفیق شود، واژه حکمرانی هوشمندتر شکل می‌گیرد. به‌طور حتم هوش مصنوعی در ۵ سال آینده حکمرانی کشور را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد و از امروز باید برای آن تدبیر شود. اگر از امروز برای آن تدبیر شود، هوش مصنوعی یک فرصت می‌شود و اگر از آن استفاده درست نشود؛ بالطبع تهدید خواهد شد.

تاب‌آوری اجتماعی بحث دیگری که مورد تأکید در برنامه هفتم توسعه بوده است. خروجی این ایران پابرجا می‌شود. این تحت‌تأثیر مخاطرات زیادی است؛ تغییرات اقلیمی یا جنگ‌های منطقه‌ای، ائتلاف‌های منطقه، تحولات فناوریانه، شوک‌های اقتصادی هر روز به جامعه که کشور را تحت‌تأثیر خود قرار می‌دهد. بنابراین جامعه‌ای که هر روز با این مشکلات دست به‌گریبان است، حتما باید برای پابرجایی خود فکری کند و حتما باید اهتمام و مفاد و نکاتی را برای تأمین برخورداری از عناصر قدرت و تاب‌آوری، عزت و امنیت داشته باشد. ایرانی را که امنیت، عزت و تاب‌آوری نداشته باشد نمی‌توان خیلی به سمت پیشرفت و توسعه پیش‌برد.

یک مجموعه به ۷ عامل بقا و کمال احتیاج دارد. هر موجودی اول باید برای بقای خود برنامه داشته باشد و بعد برای کمال تلاش کند. برنامه پیشرفت و توسعه، برنامه کمال است و باید برای پابرجایی با توجه به لیست مخاطرات بیان شده نیز برنامه داشت. باید حتما برای ترمیم شکاف اجتماعی که اتفاقات سال گذشته آن را عمیق‌تر هم کرده، تدبیری داشت و حتما باید با گفت‌وگوی ملی این شکاف را ترمیم کرد. باید توجه داشت که برنامه پیشرفت و توسعه در بستر جامعه حرکت می‌کند.

**اگر به دلایل مختلف سرمایه اجتماعی کم شود، اعتماد بین مردم و حاکمیت کم می‌شود و هر برنامه اصلاحی از نسوی مردم با جمع، اعتراض و کار شکنی همراه خواهد‌شد، بنابراین ترمیم شکاف اجتماعی باید از اولویت‌های برنامه توسعه باشد.** در ۵ بسته پیشنهادی برای تدوین برنامه هفتم توسعه که توسط مرکز پژوهش‌های مجلس پیشنهاد شده، یک امر آن ترمیم سرمایه اجتماعی است. دولت قوی در کنار جامعه توانمند و جامعه همراه شکل می‌گیرد و می‌تواند به برنامه‌های خود دست پیدا کند. اگر جامعه تحول پیدا نکند، هیچ برنامه‌ای به اهدافش نخواهد رسید.

#### ایران باید قطب تأمین امنیت انرژی منطقه شود

**باید به دو نکته هم به‌عنوان چرخش تحول آفرین دیگر در برنامه هفتم توسعه توجه کرد؛ یکی بحث بین‌المللی سازی و جایایی باید از اولویت‌های برنامه توسعه باشد.** در ۵ بسته پیشنهادی برای تدوین برنامه جدید است، باید دانست که این یک رویکرد چرخش آفرین تحول آفرین است. از دست‌دادن فرصت‌های بین‌المللی بسیار هزینه‌بر است، باید با احصای درست ظرفیت‌های دیپلماسی اقتصادی نسبت به تعریف خود در کردی‌روهای بین‌المللی اقدام کرد. باید دانست که رقبای زیادی نیز در آن وجود دارند، کی‌سری از کشورها تلاش دارند کردی‌روهای بین‌المللی از ایران دریغ کنند. به‌عنوان نمونه جاده ابرشم ترک را درست می‌کند و از شمال به ترکیه می‌رسانند یا کردی‌روهایی که از جنوب کشور می‌گذرد، باید با دیپلماسی اقتصادی فعال صبح تا شب به‌دنبال کردی‌روهای تجاری منطقه بود تا بتوان کشور را به یک مرکز امنیت فناوری‌های دانش‌بنیان منطقه رسانند و باید کشور قطب تأمین امنیت انرژی منطقه شود و از آن استفاده حدا کثری شود. ایران باید در ۵ سال آینده بزرگ‌ترین خریدار و بزرگ‌ترین فروشنده نفت بشود. کشور ۱۵ همسایه دارد و باید با توجه به این فرصت خوب بفروشد و خوب بخرد. این یک بازار بزرگ است و نباید همه هدف ما به بازار ۸۰ میلیونی داخل کشور خلاصه شود. این امر یک دیپلماسی اقتصادی می‌خواهد. اگر سیستم وزارت خارجه مانند گذشته به نگاه سیاسی امنیتی به‌جای نگاه اقتصادی اداره شود؛ توفیقی حاصل نخواهد شد.

کشور ظرفیت ایران فرهنگی و تمدنی بسیار بالایی دارد و باید این امر نیز در منطقه اشاعه پیدا کند. مرزهای ایران تمدنی بسیار بزرگ‌تر از ایران جغرافیایی است. نفوذ فرهنگی ایران در منطقه وجود دارد و این فرهنگ قوی‌تر و بزرگ‌تر است و باید از این ظرفیت‌ها بیشتر و بهتر استفاده کرد. باید دنیا بفهمند ایران کشوری نیست که در منطقه بتوان آن را نادیده کرد. باید آنقدر دایره نفوذ اقتصادی و فرهنگی ایران در منطقه زیاد شود که نتوان با نادیده گرفتن آن کاری را در منطقه پیش برد، البته باید دانستد که این در هم تبیدن برای کشور امنیت نیز به‌همراه خواهد داشت.

#### باید ابزارهای جدیدی برای امنیت کشور خلق کرد

زمانی همه پروژه‌های کشور زیر قدرت نفت حل می‌شد و این کالا برای ما کالای امنیتی بود و قدرت سیاسی به همراه داشت. متأسفانه با تحریم قدرت‌های بزرگ‌نفت از ایران گرفته و امروز دیگر این کالا امنیت نیست و تنها اقتصادی شده است. باید ابزارهای جدیدی برای امنیت کشور در منطقه خلق کرد. این در هم تیندگی با همسایه برای کشور امنیت نیز به‌همراه خواهد داشت. برای مثال باید به هر قیمتی برای کشور عراق برق تولید کرد یا به هر نحوی به ترکیه گاز صادر کرد تا اهم چارچرنی را بالا برد.

#### اهمیت روایت‌سازی نباید فراموش شود

**آخرین روایت‌پردازی معنادار است.** در برنامه هفتم توسعه باید برای روایت‌پردازی نیز کار کرد. امروز رسانه‌ها حکمرانی می‌کنند و روایت‌ها از واقعیت‌ها خیلی مهم‌تر شده است. اگر بهترین برنامه نوشته‌شده و بهترین اجرا را نیز داشت اما به روایت‌سازی برنامه‌ها توجه نکرد؛ باخت حتمی خواهد شد. به نظر من امروز رسانه‌ها حکمرانی می‌کنند و هر روز سسوزه‌ای برای تعریف دارند. برای مثال ساختمان متروپل فرو می‌ریزد و هر کدام از سسران برنامه‌ها به این منطقه می‌روند مشکل حل نمی‌شود تا رئیس جمهور برود. پس این رسانه است که تعیین می‌کند رئیس جمهور باید صبح به آیدان برود.

باید به روایت‌سازی توجه کرد. تقویت جبهه رسانه‌ای انقلاب برای روایت‌سازی استراتژیک و خلق موفقیت‌های کوچک و بزرگ علمی باید انجام شود. آنقدر وعده‌های نا به‌جا داده شده که دیگر با لب و دهن نمی‌توان اعتماد ایجاد کرد. باید نمونه‌های عینی موفقیت چه کوچک و چه بزرگ ایجاد و روایت‌سازی اول را در رابطه با آن موفقیت خود در دست بگیریم. پس از آن کم کم اعتماد عمومی از دست رفته نسبت به تحقق برنامه‌های توسعه برگرداند خواهد شد.